

شنگان شکل بدل شده شگنان (شغنان) نیست



نگارش و تتبع: نوروز علی «ثابتی»

لیسانسه زبان و ادبیات دانشگاه تعلیم و تربیه کابل

تاریخ: ۲۶ نوامبر ۲۰۱۲

فیض آباد، بدخشان

بعضی از پژوهشگران، «شنگان» را شکل بدل شده «شگنان» دانسته، و بدین ترتیب، مدعی اند که «برزوی شنگانی» که با رستم (قهرمان شاهنامه فردوسی) نبرده نموده و دست رستم را با ضرب گرز شکسته است، و سپس «فرامزر» پسر رستم او را اسیر گرفته است، از شغنان بوده است.

احمد علی کهزاد در کتاب «افغانستان و شاهنامه» نظریه در این مورد ارائه داده که بعدن دوکتور خوش نظر پامیر زاد به آن استناد جسته، و نظر کهزاد را تأیید نموده است. در این نوشته کوشش شد تا صحت و سقم این نظریه بر ملا شود.

دکتور پامیر زاد در این زمینه نوشته است:

«شنگان به تعبیر مورخ شهیر کشور احمد علی کهزاد همان شغنان می باشد که به گفته اش امروز دره سر سبز و شادابی بدخشان شوروی (امروز بنام ولایت بدخشان کوهی تاجیکستان) و نیمه دیگر آن مربوط ولایت بدخشان افغانستان است. او ادامه می دهد: دره شغنان در هزار سال قبل به اسم شنگان یاد می شد که حالا فقط یک «ن» بعد از «ش» آن حذف و «گ» به «غ» ابدال شده و از روی لهجه و تلفظ هر کس می داند که «شینگان» عین همان شغنان است.^۱

دوکتور پامیر زاد در کتاب «تاریخ باستان شغنان» هم چنین نظریه ای را ارائه نموده است. قسمی که نگاشته است:

^۱ شغنان و شغنانی ها در شاهنامه، نوشته پامیر زاد، ۱۳۹۱

« برخی شغنان را شکل تغییر یافته « سنگان » می پندارند و بر بیت هایی از شاهنامه استدلال می کنند. برزوی (برزویه) سنگانی یکی از پهلوانان شاهنامه است. در داستانی در نزد خسرو، شاه ایران جواب می گوید:^۲

مرا خانه از کوی سنگان بود بدان رود اندر مرا خان بود «

پامیر زاد به تعبیر احمد علی کهزاد استناد جسته و شغنان را شکل ابدال شده شغنان گفته است. اول اینکه، از نقطه نظر آوا شناسی بین آوا های / ن / و / گ / ابدال صورت نمی پذیرد. کهزاد هم از نقطه نظر زبانشناسی این مورد را بررسی ننموده است. از نقطه نظر زبانشناسی زمانی که در یک واژه، آوای / ن / ما قبل آوا های / ک / و / گ / بدین ترتیب « نک » و « نگ » قرار بگیرد، آوای خیشومی (انفی) / ن = n / که دندانی – لثوی است، به آوای پساکامی / ن = η / تبدیل می شود که برایش آوای « غنه » هم گفته می شود.^۳

مثلن: در واژه های دری « فرهنگ » و « سنگ »، و در واژه های شغنانی « چنگین = مگس »، و « انگنت = انگشت ». بناءً، از نقطه نظر قاعده فورمو- فونیمکس و کاربرد شناسی (Pragmatics)، بین آوا های / ن / و / گ / ابدال و تقلیب صورت نمی گیرد و حتا تلفظ / ن / که دندانی – لثوی است غلیظ تر می گردد و به آوای / ن / پساکامی تبدیل می گردد و غنه تلفظ می گردد. بنابراین، کهزاد هم در این قسمت بخطا رفته است که گویا شغنان اول « سنگان »، بوده، بعد « شگنان » شده، و سپس به « شغنان » تبدیل شده است.

از طرف دیگر، کهزاد با جغرافیای ولایت های بدخشان و تخار، و ولسوالی ها و قریه جات آنجا بلدیت نداشته و تنها نام شغنان را شنیده و تصور نموده که شغنان شکل بدل شده سنگان است که در شاهنامه فردوسی از آن ذکر گردیده است.

^۲ پامیر زاد، تاریخ باستان شغنان، ص. ۱۱.

^۳ حق شناس، آواشناسی، صص. ۸۵ – ۸۶؛ دکتور یمین، دستور معاصر زبان پارسی دری، صص. ۴۸ – ۵۰.

در صورتی که « شنگان » نام دو محل در افغانستان است و از دوره فردوسی تا کنون پا بر جا بوده و هنوز همانطوری که در عصر فردوسی تلفظ میشده اند، با همان تلفظ امروز هم وجود دارند. شنگان نام یک وادی در ولسوالی یوان و لایت بدخشان، و نام وادی دیگری در ولسوالی فرخار و لایت تخار می باشد.

بر علاوه این، نام یک کوه که بین ایران و آذربایجان موقعیت دارد، بنام شینگان و شنیدیان معروف است.

همچنان، شینگان نام یک ناحیه در جمهوری فدراتیف روسیه که در نزدیک مرز با منگولیا (مغولستان) اخذ موقعیت نموده است.

مضاف بر این، شینگان نام کوهی در ناحیه تاشقرغان ایالت سینکیانگ چین است.

اگر ما به تعبیر کهزاد و پامیر زاد، شنگان را شکل ابدال شده «شگنان» قبول کنیم، در اینصورت، بنا بر این دلیل، همه پنج محل که بنام « شنگان » ذکر گردیدند، همه به شغنان تبدیل می گردند که در اینصورت، شغنان هم در بدخشان، هم در تخار، هم در آذربایجان، و هم در چین عرض وجود خواهد نمود که اگر اینها را بطور فرضی یکی قبول کنیم در اینصورت مساحت شغنان بیشتر از قلمرو یک امپراتوری خواهد شد.

دوکتور پامیر زاد، در مقاله « شغنان و شغنانیان در شاهنامه » ، افزوده است:

« ... این دور از حقیقت نخواهد بود که شنگان شکل غلط بر داشته شده شگنان برخی از ناسخین شاهنامه در دوره های بعدی می باشد.»

دوکتور صاحب نظر مرادی در کتاب « بدخشان در تاریخ » در این خصوص نظریه دیگری دارد. چنانچه نوشته است:

« ... برخی از مورخین و نگارشگران حوادث تاریخی کلمه « شینگان » را بجای شغنان بکار برده و معتقدند که شینگان عین همان شغنان یا « شگنان » می باشد. بایست خاطر نشان نمود که این یک پندار اشتباه آمیز می باشد. شینگان در گذشته مثل شغنان معبری بوده در ساحل جنوبی دریای آمو و شمالغرب بدخشان و در جنوب ختلان متصل به مرغزاری بنام « مزک دشت » معروف. اگر مطابق نقشه در یک خط السیر مستقیم از شغنان که در شرق بدخشان موقعیت دارد، بطرف غرب این ولایت حرکت کنیم، در مجاورت یوان در ساحل رود آمو به شینگان میرسیم که در بیشتر از هزار سال پیش از امروز به همین نام وارد شاهنامه فردوسی شده است»^۴.

از طرف دیگر، شاهنامه فردوسی، یک « داستان » است، و برخی از پرسوناژ های آن، واقعی نیستند. حتی « رستم » با همان آب و تاب که توصیف می شود، بیشتر مبالغه است. خود فردوسی در این مورد گفته است:

منش ساختم رستم داستان وگر نه یلی بود در سیستان^۵

فردوسی میگوید که این داستان را بیشتر خودش آب و تاب، و رنگ و روغن داده است. بنابراین، نمی توان « شاهنامه » را یک مرجع تاریخی تلقی نمود و بر آن استناد جست.

در صفحات بعد، تصاویری که جاهاییکه بنام شنگان یاد می شوند، از طریق نقشه زمین در اینترنت (Google Earth) آنها را شناسایی، و در اینجا درج نمودم.

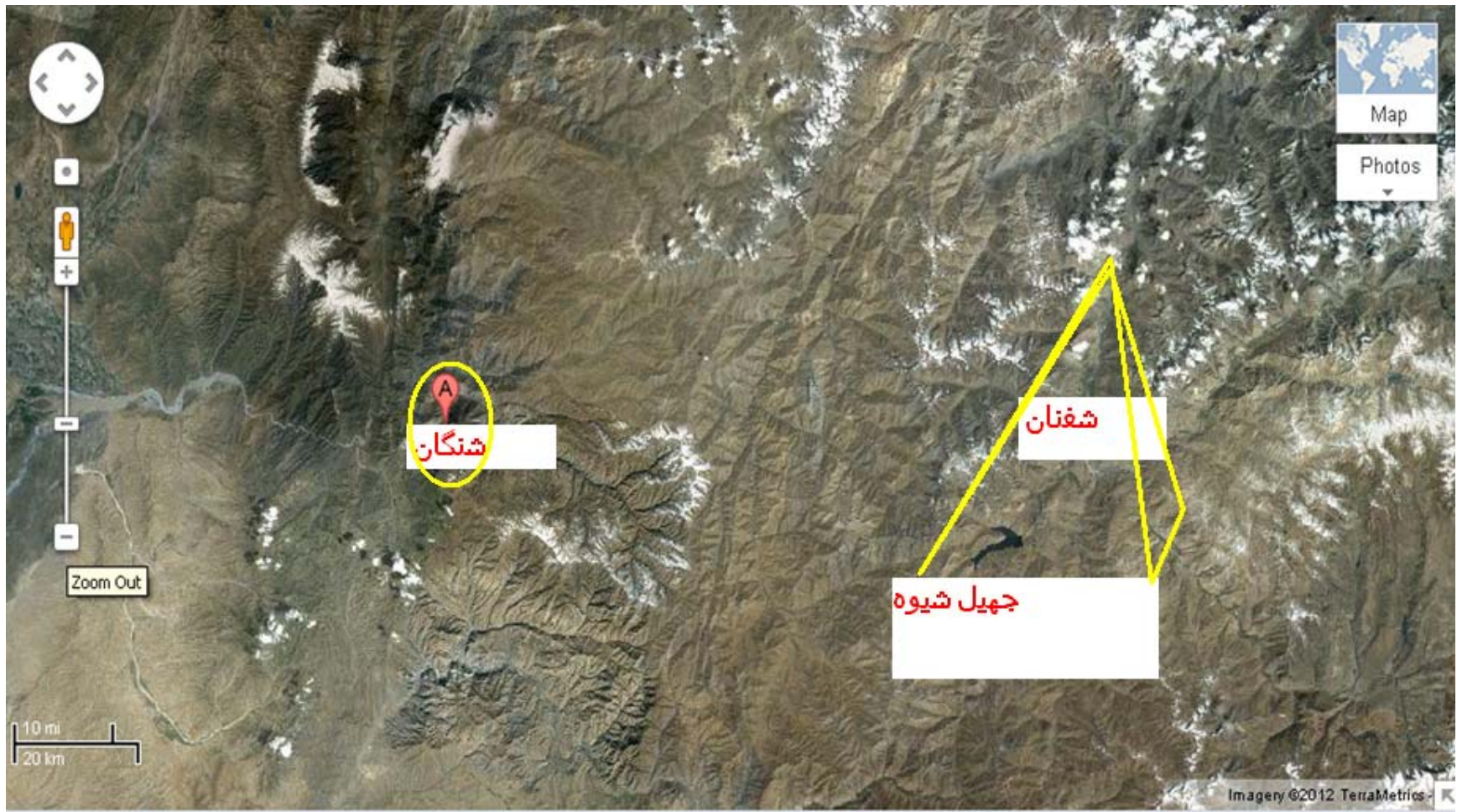
^۴ مرادی، بدخشان در تاریخ، صص. ۱۳۴ - ۱۳۵.
^۵ پامیر زاد، شغنان و شغنانیان در شاهنامه



نقشه بالا، ولسوالی فرخار ولایت تخار افغانستان را نشان می دهد، که در آنجا نام دو محل بنام « شینگان » آمده است.



وادی شنگان در ولسوالی یاون ولایت بدخشان، افغانستان



شفنان و شنگان در جغرافیای ولایت بدخشان، افغانستان



شینگان، یوان



شینگان، یوان



ناحیه شنگان، در جمهوری فدراتیف روسیه

نتیجه گیری:

با کشف نمودن پنج محل بنام، شینگان در جهان (فدراتیف روسیه، چین، افغانستان در دو محل، و نام کوه مرز میان آذربایجان و ایران) بر نظریه اینکه، شینگان همان «شغنان» است، خط بطلان می کشد. ضرب المثل مشهور است که می گویند: آب آمد، تیمم بر خاست.

منابع و مأخذ:

۱. پامیر زاد، خوش نظر، تاریخ شغنان باستان (تزرس دوکتورا)، اکادمی علوم تاجیکستان، انستیتوت تاریخ و انتوگرافی، (تحت نظر پروفیسر حق نظر نظر اف)، ۱۹۹۸ (۱۳۷۷)، صص. ۱۱.
۲. پامیرزاد، شغنان و شغنانی ها در شاهنامه، ۱۳۹۱، موجود در تارنمای سیمای شغنان:

www.shughnan.com

۳. حق شناس، علی محمد، آواشناسی (فونتیکی)، موسسه انتشارات آگاه، چاپ هشتم (۱۳۸۲)، (صص. ۹۲ - ۹۳)
۴. مرادی، صاحب نظر، بدخشان در تاریخ (ج. اول و دوم)، انتشارات خیام، کابل، ۱۳۸۸.
۵. یمین، محمد حسین، دستور معاصر زبان پارسی دری، بنگاه انتشارات میوند، پشاور، ۱۳۸۴
۶. Google Earth، آنلاین
۷. نقشه افغانستان طبیعی و سیاسی افغانستان، موسسه نشرات آریانا، ۱۳۷۷.

